



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۴/۲۴

نویسنده: بهادرا کومار
مترجم: رسول رحیم

بیرون رفتن امریکائی ها از افغانستان با پیش بینی ها و شرایط توام است «پروسه صلح بهم خورده است» منبع: اندین پنچ لاین ۲۲ اپریل ۲۰۲۱

ایالات متحد امریکا و ناتو تاحال شروع به بیرون کشیدن نیروهای شان از افغانستان نکرده اند، اما چشم ها متوجه آن افقی اند که پس از پایان رسمی این "جنگ ابدی" چه قرار دارد. استراتژی برون رفتن ایالات متحد امریکا از افغانستان، منظره بخت آزمائی در یک لاتری، مانند بیرون رفتن بی نتیجه نیروهای امریکائی از عراق را به نمایش می گذارد.

شواهد از آن حکایت دارند که اظهارات جوبایدن رئیس جمهور ایالات متحد امریکا در مورد بیرون رفتن نیروهای نظامی آن کشور از افغانستان تا یازدهم سپتمبر ممکن است آخرین حرف در این موضوع نباشد. به نظر می رسد فرماندهان در وزارت دفاع (پنتاگون) و اداره استخبارات مرکزی ایالات متحد امریکا (سی آی ای) "در حال تلطیف" این تصمیم باشند.

در روز بعد از سخنرانی بایدن، نیویارک تایمز به حواله دو خبرنگار ارشدش گزارش داد که «پنتاگون، سازمان های استخباراتی ایالات متحد امریکا و متحدان غربی اش در حال تلطیف مجدد برنامه های جهت توطیف نیروی کمتر قابل مشاهده، اما هنوز قوی در منطقه می باشند تا مانع آن شوند که افغانستان دوباره پایگاه تروریست ها شود... پنتاگون با متحدان در حال مذاکره است که این نیروها در کجا دو باره مستقر شوند.»

در این گزارش ذکر شده است که اگرچه نیروهای ناتو رسماً بیرون خواهند رفت، ترکیه که یک عضو این اتحادیه نظامی است «نیروهایش را پشت سر می گذارد تا بتواند به "سی آی ای" در قسمت جمع آوری اطلاعات کمک کند.» در پهلوی آن برخی از قرار دادی های پنتاگون (سربازان مزدور) نیز که شامل ۶۰۰۰ نفر امریکائی می شود، می توانند دوباره اعزام گردند.

گزارش روزنامه "تایمز" نیز افشا نمود که «پنتاگون در واقعیت امر ۱۰۰۰ سرباز بیشتر از آنچه در افغانستان دارد که قبلاً اعلام نموده است. این شمارش مبهم از آن جهت است که برخی از نیروهای ویژه "از قلم انداخته شده اند"... این ها شامل برخی نیروهای نخبه "رنجر" (کماندوهای تکاور) اند که هم تحت امر پنتاگون و هم "سی آی ای" کار می کنند.» ممکن است پنتاگون این نیروهای افشا نشده را بعد از میعاد بیرون رفتن از افغانستان در ۱۱ سپتمبر بی سروصدا به افغانستان ببرد.

در عین روزی که گزارش روزنامه تایمز انتشار یافت، انتونی بلینکن وزیر خارجه ایالات متحد امریکا که در کابل صحبت می کرد، بعد از مذاکراتش با مقامات حکومتی افغانستان تأیید نمود که «حتی پس از آنکه سربازان ما به وطن برگردند، مشارکت ما با افغانستان ادامه خواهد یافت. مشارکت امنیتی ما پایدار خواهد بود. در واشنگتن یک حمایت قوی هردو حزب (دموکرات و جمهوریخواه) برای تعهد ما در قبال نیروهای امنیتی افغان وجود دارد.»

بخش فریبنده این صحبت در آن بود که بلینکن از میزان حضور آینده "سی آی ای" در افغانستان طفره رفت. اما در مسکو ماریا زاخارووا سخنگوی وزارت خارجه روسیه در ۱۷ اپریل ادعا نمود که «گزارش های مداومی وجود دارند که خود ایالات متحد امریکا در افغانستان به گروه های تروریستی به شمول داعش کمک می کند و واشنگتن در نظر دارد حضور خدمات استخباراتی اش را در جمهوری اسلامی افغانستان به هنگام بیرون رفتن نیروهایش از آن کشور افزایش دهد.»

زاخارووا گفت: «چنین اوضاعی نه تنها در روسیه بلکه در سایر کشورهای منطقه نیز موجب نگرانی جدی شده است. ما انتظار داریم تا از جانب امریکائی توضیحاتی به دست آوریم...» در واقع این بار نخست نیست که روسیه مدعی ارتباط بین استخبارات ایالات متحد امریکا و داعش برای بی ثبات گرداندن منطقه آسیای مرکزی شده است.

در حقیقت در ۱۹ اپریل ، روسیه حمله هوایی بزرگی در منطقه دور افتاده ای نزدیک به پالمیرا در سوریه علیه اردوگاه تروریست ها راه اندازی کرد که ۲۰۰ تروریست کشته شدند. اعلامیه روسیه حاکی از آن است که این تروریست ها در "التنف" منطقه ای در مرز جنوب شرقی سوریه آموزش می بینند که تحت کنترل امریکائی ها بوده، نزدیک به شاهراه بغداد- دمشق قرار دارد.

پیش از این در ماه جنوری ، از قول مقامات سازمان همکاری شانگهای نیز نگرانی هائی در مورد شمار "فزاینده" جنگجویان داعش نقل شده بود که از سوریه و عراق به افغانستان انتقال داده می شوند.

کافیست تا گفته شود که حتما مادامی که ایالات متحد امریکا و ناتو رسماً در حال تدارک برای بیرون کشیدن نیروها از افغانستان می باشند، پنتاگون (وزارت دفاع امریکا) و "سیا" (سازمان استخبارات مرکزی ایالات متحد امریکا) در حال سنجش عملیات بعدی شان در این کشور می باشند که از نگاه نظری برای کمک به نیروهای امنیتی افغانستان جلوه داده می شود، اما در واقعیت برای دنبال کردن منافع منطقی و اشنگتن می باشند که امروز اصولاً به مهار زدن روسیه و چین محدود می شوند. ساختار دولت افغانستان در حال فروپاشی است و اوپراتیوی ها (کارگذاران) نیروهای ویژه امریکائی و "سی آی ای" برای آنچه می خواهند انجام دهند، آزادی عملیاتی دارند.

جالب آنست که بلینکن به روز سه شنبه، پس از برگشتش از کابل اعلام نمود که « به مثابه بخشی از تعهد برای سرمایه گذاری و کمک به مردم افغانستان» ۳۰۰ میلیون دالر «معاونت ملکی اضافی» به رژیم کابل می کند. این اقدام از آن جهت خنده آور است که این کمک به هنگامی صورت می گیرد که بنا به گزارش روزنامه "واشنگتن پست" « تلاش های بی مهابا برای صلح در افغانستان ، شکستی در رهبری سیاسی در کابل به وجود آورده و حکومت مورد حمایت امریکا را تضعیف می کند.» آیا بلینکن از سر نو میدی با اوضاع در کابل تماس ندارد؟ به نظر می رسد که در واقع این هدیه ای برای کارگذاران قدرت در دستگاه امنیتی افغانستان باشد.

نتیجه نهائی آنست که "سی آی ای" طرحش را در جهت استفاده از افغانستان به حیث یک "استیجنگ پُست" یا پایگاه تجدید قوا برای بی ثبات گردانیدن روسیه، ایران و چین جلو می برد. از جانب دیگر به عقب افتادن کنفرانس در سطح عالی استانبول از ۲۴ اپریل به چهارم ماه می به معنای آنست که پروسه صلح بهم خورده و مهلت تعیین شده در پیمان دوحه برای بیرون رفتن نیروهای امریکائی از افغانستان پاک شده است. به عبارت دیگر واشنگتن هدفش را تغییر داده است و همچنان در چانه زنی فرصت تازه ای برای رژیم غنی مهیا نموده است.

شاید هند تنها دوست واشنگتن در منطقه است که امروز می تواند واقعاً بروی اتکا کند. روز دوشنبه بلینکن به اس. جی شنکر وزیر خارجه هند تلفون کرد تا « اهمیت روابط ایالات متحد امریکا- هند را و همکاری روی مسائل امنیتی منطقی را مجدداً مورد تاکید قرار دهد.» بیانیه کاخ سفید مدعی است که دو وزیر در مورد «هم آهنگی نزدیک و مکرر» در مورد اوضاع افغانستان «توافق» نمودند.

در حقیقت به روز سه شنبه ، در یک نشست استماعی کمیته خدمات مسلح مجلس نمایندگان در واشنگتن ، جنرال کنیت مکزی جونپور فرمانده ستاد مرکزی ایالات متحد امریکا گفته است که برای راه اندازی عملیات آینده در افغانستان، ایالات متحد « نخست به حمایت استخباراتی سنگین نیاز دارد» و اکنون دیپلمات های امریکائی روی « یافتن جا های جدید در منطقه » برای پایه گذاری دارائی استخباراتی اش کار می کنند.

مطمئناً پاکستان نمی تواند یکی از آن "جاهای جدید" باشد. با توجه به این پسمنظر پیچیده، شاه محمود قریشی وزیر خارجه پاکستان روز چهارشنبه به تهران رسید تا با رهبران ایران مذاکره کند. گزارش های مطبوعاتی واصله از تهران حاکی از آمادگی ایران برای همکاری با پاکستان (اینجا و آنجا) می باشد. اما پوشیده نیست که این دو کشور دیدگاه ها، منافع و اولویت های مختلفی در افغانستان دارند.

با اینهمه هردو کشور امروز نیز در اوضاع در حال ظهور که پروسه صلح افغانستان دچار یک تعویق پویا نما (انیمیشن) است و پیمان دوحه در سرد خانه گذاشته شده است، طالبان دچار خشم و انزجار اند و ایالات متحد امریکا گزینه های آینده اش را تدقیق و تلطیف می کند، مطمئناً دارای همخوانی های منافع می باشند. گستره ای که تهران و اسلام آباد بتوانند راهیافت های شان را آشتی بدهند و با همدیگر هم آهنگ سازند، بدون تردید بر روند آتیه حوادث اثر می گذارد. قابل درک است که چنین چیزی از مسکو و بیجنگ نیز انتظار می رود.

از چشم انداز امروز، ادامه بی ثباتی در افغانستان و بهم خوردن پروسه صلح فقط می تواند به نفع واشنگتن تمام شود تا زمان را مجدداً تنظیم کند و پیاده و وزیر را برای یک بازی تازه روی تخته شطرنج سر از نو بچیند. اخیراً امکان تشکیل یک حکومت موقت فراگیر در کابل کاهش یافته است. مسلماً پاکستان تحت فشار است تا طالبان را به خویشتنداری وا دارد.

آیا این صرف تصادف بوده می تواند که تروریست ها این فرصت را انتخاب نموده و در کویته یک حمله خوب برنامه ریزی شده و حرفوی را به اجرا در آورند و وضعیت داخلی کشور را به لرزه در آورند؟ (طبق گزارش بی بی سی، امروز پنجشنبه ۲۲ اپریل طالبان پاکستان مسئولیت انفجار مرگبار در پارکنگ هوتلی را در کویته پاکستان گرفتند که سفیر چین در پاکستان در آن اقامت داشت) چه کسی می تواند برنده باشد؟ پاسخ ساده ای ندارد.